

Verbal Humor in F'arano Poetry of Akbar Eksir Soheila Farhangi¹, Akbar Jafari²

طنز کلامی در شعر فرانوئی اکبر اکسیر

سهیلا فرهنگ‌گی^۱، اکبر جعفری^۲

چکیده

Abstract

Akbar Eksir is one of contemporary poet that has used satire intellectually and compassionately to reform disorders and abnormalities in society. He use F'arano poetry which is Succinct, tangible, simple, far from complex imagination and related to today's human concerns. Here, six poems out of Akbar Eksir's six set of F'arano's poems was studied and analyzed. The theory include six basic variables such as script oppositions, logical mechanism, position, goal, narration style and language. Results show that script oppositions and logical mechanism are effective factors in F'arano poetry structure. Also in a satire poem, some times two or more script oppositions are observed that in order to analyze heterogeneity among them some logical mechanisms are used. Research findings show that Eksir uses simple narration and daily conversation more in his poems, also in more studied ones person is not a goal but a concern, a group or all humans are criticized by poet.

Key words: F'arano Poetry, Satire, Akbar Eksir, General Theory of Verbal Humor.

اکبر اکسیر از شاعران معاصر است که هوشمندانه و دلسوزانه از طنز برای اصلاح نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های جامعه بهره می‌گیرد. او از قالب شعر فرانو - که شعری است موجز، ملموس، ساده، به دور از خیال‌پردازی‌های پیچیده و متناسب با دغدغه‌های بشر امروز- استفاده می‌کند. در این مقاله شش نمونه شعر از شش مجموعه فرانوئی اکبر اکسیر براساس نظریه عمومی طنز کلامی بررسی و تحلیل شده است. این نظریه شامل شش متغیر پایه تقابل انگاره، مکانیسم منطقی، موقعیت، هدف، شیوه روایت و زبان است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که دو متغیر تقابل انگاره و مکانیسم منطقی از عوامل مؤثر در ساختار شعر فرانو محسوب می‌شوند. همچنین در یک شعر، گاه چندین تقابل انگاره دیده می‌شود که برای تحلیل عدم تجانس بین آنها از چندین مکانیسم منطقی استفاده شده است. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که اکسیر از روایت‌های ساده و زبان روزمره بیشتر بهره می‌گیرد و در بیشتر شعرهای فرانوئی بررسی شده، هدف، یک شخص نیست، بلکه یک معضل، یک گروه و گاه همه انسان‌ها مورد انتقاد شاعر هستند.

کلیدواژه‌ها: شعر فرانو، طنز، اکبر اکسیر، نظریه عمومی طنز کلامی.

1. Assistant professor of Persian language and literature at payam nour university
2. M.A of Persian language and literature at payamnour university

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
(نویسنده مسوول) farhangisoheila@gmail.com
۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور
a.gafari2014@gmail.com

مقدمه

بیان مسئله

طنز در اصطلاح ادبی، شعر یا نثری است که با دست‌مایه طعنه و تمسخر به نشان دادن معایب، زشتی‌ها و مفاسد فرد و جامعه می‌پردازد. به بیان دیگر، طنز اشاره و تنبیهی اجتماعی است که هدفش اصلاح جامعه است نه مردم‌آزاری. طبیعت طنز بر خنده استوار است، اما برخلاف کمدی، خنده در طنز هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای نشان دادن کاستی‌ها و توجه دادن به آنهاست (انوشه، ۱۳۸۱: ۹۳۴).

شفیعی کدکنی در تعریف طنز می‌گوید: «طنز عبارت است از تصویر هنری اجتماع نقیضین و ضدین» (۱۳۶۶: ۳۰۲). طنز غالباً با استفاده از گونه ادبی زبان نظام‌های حاکم ذهنی، زیستی و اجتماعی ما را در جزئیات و کلیات به هم می‌ریزد و با جایگزینی منطق، عرف، استدلال و عاداتی متفاوت با آنچه معمول است، آفریده می‌شود (تجبر، ۱۳۹۰: ۸۳). البته ارائه تعریف دقیقی از طنز کار ساده‌ای نیست و این دشواری به دلیل ماهیت تفکربرانگیز، پیچیده و چندلایه طنز و نزدیکی مرز و مفهوم آن با دیگر انواع شوخ‌طبعی مانند هجو، هزل و فکاهه است.

به‌طور کلی شوخ‌طبعی به تمام گونه‌های گفتار و نوشتار اطلاق می‌شود که شنیدن یا مطالعه آن باعث انبساط خاطر و ایجاد خنده می‌شود و براساس وجود عواملی مانند انتقاد، تمسخر، کنایه و خنده به چهار بخش عمده طنز، هجو، هزل و فکاهه تقسیم می‌شود. در گونه‌های مختلف شوخ‌طبعی اشتراکاتی همچون خنده‌دار بودن، کنایه و مسائل غیرجدی

وجود دارد، اما باید توجه داشت که در هجو جنبه شخصی و فردی قوی‌تر است و هدف هجو دفاع از اغراض شخصی و منکوب کردن شخصیت‌های مورد خشم شاعر یا نویسنده است (کاسب، ۱۳۶۶: ۱۹)، اما هزل «شوخی‌ای رکیک به منظور تفریح و نشاط در سطحی محدود و خصوصی است» (صلاحی، ۱۳۶۷: ۶۲) و فکاهی یا مطایبه بیشتر بر رفتارهای غریب، نقاط ضعف و بلاهت اخلاقی نظر دارد (اصلائی، ۱۳۸۷: ۲۱۶).

طنز در ادبیات کلاسیک فارسی به صورت‌های مختلف هجو، هزل و ... همیشه وجود داشته، اما طنز به معنای مدرن و امروزی آن، بعد از مشروطه در شعر رواج یافت. در سیر تاریخی طنز در ایران، آن را به پیش از مشروطه و پس از مشروطه تقسیم کرده‌اند. طنز پیش از مشروطه را فردی و شخصی و طنز پس از مشروطه را اجتماعی می‌نامند (صدر، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۳).

اهمیت و ضرورت تحقیق

طنز در دوران معاصر از جایگاه ممتازی برخوردار است و مخاطبان زیادی هم دارد. به این دلیل هدف از پژوهش حاضر بررسی شعر طنز یکی از شاعران معاصر است که در قالب شعر فرانو سروده شده و با وجود تلخ و گزنده بودن، از جاذبه زیادی برخوردار است و خوانندگان زیادی را به سمت خود می‌کشاند.

پیشینه تحقیق

در زمینه طنز و طنزپردازی در متون ادب فارسی پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. پایان‌نامه

اکبر اکسیر، شعر فرانو و اهمّ ویژگی‌های آن
 اکبر اکسیر متولد ۱۳۳۲ شمسی در آستارا،
 دانش‌آموخته رشته زبان و ادبیات فارسی و معلم
 بازنشسته است. اکسیر سرودن شعر را از سال ۱۳۴۷
 آغاز کرد و در انواع قالب‌ها شعر سروده است. در
 سال ۱۳۶۱ اولین مجموعه شعرش به نام «در سوگ
 سپیداران» منتشر شد که شامل شعرهای قبل و بعد از
 انقلاب اوست. از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۸۱ از شعر
 کناره گرفت، اما بعد از ده سال با پیشنهاد «شعر
 فرانو» به جامعه ادبی، دوره جدید شعری خود را
 آغاز کرد. مجموعه شعرهای فرانویی او بین سال‌های
 ۸۲ تا ۹۳ عبارت‌اند از: بفرمایید بنشینید صندلی
 عزیز، زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند، پسته لال
 سکوت دندان‌شکن است، ملخ‌های حاصل‌خیز،
 مالاریا، ما کو تا اونا شیم؟

فرانو نام پیشنهادی اکبر اکسیر برای شعر دهه
 ۸۰ و نیز آینده شعر معاصر است. او می‌گوید: «فرانو
 به معنی پس از مدرن نیست؛ به معنی فراتر از شعر
 نو است. وحشی‌ترین شاخه شعر نیمایی است و
 برخلاف شعر سپید، شعر نخبگان نیست. فرانو شعر
 پاپتی‌هاست. بی‌هیچ ترتیبی و آدابی هرچه می‌خواهد
 دل تنگت بگوا!» (اکسیر، ۱۳۸۵: ۴۶). عادت‌ها را کنار
 زدن و بی‌پروا سخن گفتن از ویژگی‌های این نوع
 شعر است. اکسیر اساس کار در طرح شعر فرانو را
 این سخن آدونیس می‌داند: «شعر به یک معنا عبارت
 است از واداشتن زبان به گفتن چیزهایی که عادت به
 گفتن آنها ندارد» (نقل از اکسیر، ۱۳۸۷: ب: ۱۶).

مهم‌ترین ویژگی‌های شعر فرانو عبارت است

از:

تحلیل ساختاری و مضمونی کتاب‌های کیومرث
 صابری فومنی (سعیدی، ۱۳۸۱) و بررسی طنز در
 آثار دهخدا (یوسفی، ۱۳۸۵) از نمونه‌های این
 پژوهش‌هاست. پایان‌نامه بررسی طنز در آثار اکبر
 اکسیر (اسماعیلی، ۱۳۹۳) نیز به طنز اکسیر از سه
 محور زبان، بلاغت و محتوا توجه کرده است.
 پایان‌نامه بررسی توصیفی- تطبیقی درونمایه طنز در
 اشعار اکبر اکسیر و عمران صلاحی (پاسخی،
 ۱۳۹۰) نیز به طنز اکبر اکسیر از جنبه محتوایی و
 مقایسه آن با طنز عمران صلاحی پرداخته است.
 مقاله‌های «تحلیل گفتمان طنز پارسی بر اساس
 کاربرد نظریه عمومی طنز کلامی در سریال قهوه
 تلخ» (ایزدپناه و رخشنده‌رو، ۱۳۹۲) و «بررسی طنز
 منثور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور
 براساس نظریه عمومی طنز کلامی» (شریفی و
 کرامتی، ۱۳۸۸) نیز از مقاله‌هایی است که براساس
 نظریه عمومی طنز کلامی نوشته شده‌اند و به
 مطبوعات و سریال‌های تلویزیونی اختصاص دارند.
 اما بیشتر پژوهش‌هایی که در زمینه طنز در متون
 ادب فارسی صورت گرفته، به بررسی زبانی و
 محتوایی این آثار اکتفا کرده‌اند و هیچ‌کدام براساس
 نظریه طنز کلامی نوشته نشده‌اند. از این‌رو، این
 پژوهش - که بر اساس یافته‌های پایان‌نامه
 کارشناسی ارشد با عنوان خوانش آثار طنز اکبر
 اکسیر براساس نظریه عمومی طنز کلامی نوشته
 شده است- در نظر دارد بر مبنای این نظریه به
 مباحثی از جمله تقابل انگاره‌ها، مکانیسم منطقی،
 هدف، موقعیت، زبان و شیوه روایت در نمونه‌هایی
 از طنز اکبر اکسیر بپردازد.

ناهماهنگی نهفته در آن مرتبط می‌داند که در نهایت به خنده می‌انجامد. برگسون را طراح این ایده می‌دانند (کریچلی، ۱۳۸۴: ۱۲).

ج) نظریه آرامش/ رهایی، تحرک و ارضا؛ رهاسازی انرژی روانی سرکوب‌شده، به‌ویژه از تابوهای جنسی به کمک طنز که ارائه‌گر این دیدگاه فروید است (اخوت، ۱۳۷۱: ۲۸).

د) نظریه الوهیت/ ربوبیت؛ براساس این دیدگاه خنده موهبتی الهی دانسته شده که موجب وحدت افراد می‌شود (خشوعی، ۱۳۸۶: ۲۰).

گروه دوم نظریه‌های زبان‌شناختی است که شامل نظریه‌های زیر است:

الف) نظریه معنایی گرما (گرمس)؛ گرما نشانه‌شناس فرانسوی این نظریه را بنا نهاده است. او هر لطیفه را به سه جزء معرفی و مطرح کردن مشکل، تضاد یا سؤال و راه‌حل یا بخشی که عمل انفصال صورت می‌پذیرد؛ راه‌حلی که تضاد را به شکل خنده‌داری حل می‌کند، تقسیم می‌کند (اخوت، ۱۳۷۱: ۳۱).

ب) نظریه فونازی؛ زبان‌شناس مجارستانی، ایوان فونازی، انواع شوخ‌طبعی را به دو دسته کلی شوخ‌طبعی‌هایی که با استفاده از ساختارهای دومعنایی و شوخ‌طبعی‌هایی که براساس انحرافات زبانی، نحوی و منطقی پدید می‌آیند، تقسیم می‌کند. از نظر او جمله دوم یعنی لب مطلب برای بی‌اعتبار کردن جمله اول یعنی معرفی می‌آید و با استفاده از همین کارکرد خنده آفریده می‌شود (همان: ۳۲).

۱. ایجاز که اکسیر از آن به عنوان اعجاز ایجاز یاد کرده است.

۲. طنز که سخن در شعر فرانو از فرط جدی بودن تبدیل به طنزی تلخ، مازوخیستی، زیرپوستی و نیش‌دار شده است.

۳. بهره‌گیری آزادانه و ماهرانه از تمهیدات لفظی و معنوی.

۴. سادگی زبان و بهره‌گیری از ترکیبات عامیانه.

۵. قابلیت پاسخگویی به هر قشری از مخاطبان اعم از خاص و عام.

۶. پرهیز از عاشقانه سرودن و سیاسی‌گویی.

۷. اعجاب‌آفرینی، ضربه و اعجاب‌انگیزی که یا در شروع شعر رخ می‌دهد یا در پایان آن.

۸. سوژه شعر فرانو موضوعات ملموس اطراف خودمان است (اکسیر، ۱۳۸۷ الف: ۱۰۷-۱۰۴).

نظریه عمومی طنز کلامی (GTVH)^۱

می‌توان نظریه‌های موجود طنز را براساس رویکردی زبانی به دو گروه کلی تقسیم کرد:

گروه اول نظریه‌های غیرزبان‌شناختی است که عبارت‌اند از:

الف) نظریه برتری/تفوق؛ این نظریه بر این اساس استوار است که ما وقتی خود را از دیگران برتر و بالاتر می‌بینیم، نشاطی حاصل می‌کنیم که منتج به خنده می‌شود. این دیدگاه را به هابز نسبت می‌دهند (تجبر، ۱۳۹۰: ۸۶).

ب) نظریه ناهم‌خوانی/ ناهم‌جنسی/ ناهماهنگی؛ این نظریه درک طنز و شوخی را با ادراک

4Relife Theory
5Divinity Theory
6A.J. Greimas
7Ivan Fonagy

1General theory of verbal humor
2Superiority Theory
3Incongruity Theory

می‌کند و لزوماً با منطق معمول مطابقت ندارد، بلکه منطق طنزآمیزی است که ممکن است فقط در آن متن طنز معنادار باشد.

۳. موقعیت^{۱۳}: پس‌زمینه مفروض در طنز است؛ شرایط، مکان و فضایی که طنز در آن رخ می‌دهد که در برخی متون به‌درستی مشخص نیست و به عنوان «بافت» تلقی می‌شود.

۴. هدف^{۱۴}: بیان می‌کند که چه کسی یا چه کسانی در طنز مورد تمسخر یا انتقاد قرار گرفته‌اند و یک ویژگی اختیاری است؛ بدین معنا که طنزهایی که تهاجمی نیستند، برای متغیر هدف دارای ارزش تهای هستند.

۵. شیوه^{۱۵}: روایت^{۱۶} که به نوع متن طنز مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، این متغیر نشان می‌دهد که آیا متن طنز یک روایت ساده داستانی، مکالمه یا از نوع چیستان است.

۶. زبان^{۱۷}: راسکین و آتاردو از زبان به عنوان همه انتخاب‌ها در سطوح آوایی، واجی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردشناسی یاد کرده‌اند (شریفی و کرامتی یزدی، ۱۳۸۸: ۱۱۸-۱۱۴).

از آنجا که این نظریه متغیرهای بیشتری را در تحلیل متون طنز به کار می‌گیرد و همچنین قادر به تحلیل متون طنز متنوع‌تری است، تنها نظریه جامع علمی- معنایی طنز محسوب می‌شود که می‌تواند در تحلیل متون طنز مورد استفاده قرار گیرد.

ج) نظریه انگاره^{۱۸} معنایی راسکین^{۱۹}: به نظر راسکین مخاطب لطیفه زمانی معنای اصلی متن را می‌فهمد که اولاً از قبل بداند که کسی می‌خواهد لطیفه‌ای تعریف کند و دوم اینکه میان اجزای لطیفه تضادی ببیند. به اعتقاد راسکین مخاطب براساس پیشینه فرهنگی خود از تمام مظاهر فرهنگی الگویی در ذهن دارد. در لطیفه این الگو تا حدودی نقض و منجر به تضاد و عدم تجانس می‌شود. به عبارت دیگر مخاطب ابتدا چیز دیگری انتظار دارد، ولی انتظار او تحقق نمی‌یابد و اتفاق دیگری می‌افتد (همان: ۲۹-۳۰).

د) نظریه عمومی طنز کلامی: نظریه عمومی طنز کلامی را سالواتور آتاردو^{۲۰} و ویکتور راسکین^{۲۱} در سال ۱۹۹۱ مطرح کردند که ترکیبی از گونه اصلاح‌شده و گسترده نظریه طنز انگاره معنایی راسکین (۱۹۸۵) و مدل بازنمود پنج سطحی لطیفه آتاردو است. در نظریه عمومی طنز کلامی به منظور تحلیل متون طنز شش متغیر پایه به کار گرفته می‌شود:

۱. تقابل انگاره^{۲۲}: انتزاعی‌ترین بخش منابع دانش است و در آن تضاد بین واقعیت و غیرواقعیت/ شرایط طبیعی و غیرطبیعی/ تضاد بین صور محتمل و غیرمحتمل دیده می‌شود.

۲. مکانیسم منطقی^{۲۳}: شیوه تحلیل عدم تجانس بین دو انگاره متقابل موجود در طنز را مشخص

13 Situation
14 Target
15 Narrative strategy
16 Language

8 SSTH
9 Salvatore Attardo
10 Victor Raskin
11 Script opposition
12 Logical Mechanism

تجزیه و تحلیل نمونه‌هایی از طنز اکبر اکسیر

در این پژوهش شصت شعر فرانوی اکسیر براساس نظریه عمومی طنز کلامی بررسی شده است، اما از آنجا که ارائه این حجم از اطلاعات در این مقاله میسر نیست، به ذکر یک نمونه از هر کتاب او بسنده می‌کنیم.

۱. شعر «گمشده» از مجموعه زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند

مادر عاشق طلا بود

جشن تولد، دستبند خواست

پدر به زندان رفت.

روز مادر، زنجیر خواست

پدر به تیمارستان رفت.

سالگرد ازدواج سرویس خواست

پدر سوار شد و رفت!

(اکسیر، ۱۳۸۴: ۶۶)

جدول ۱. تحلیل GTVH شعر «گمشده»

تقابل انگاره:	طلا و جواهرات / طلا و جواهرات نه
مکانیسم منطقی:	منحرف کردن ذهن خواننده با استفاده از کلمات چندمعنایی
هدف:	زنان پرتوقع و تجمل‌گرا
موقعیت:	خانواده
شیوه روایت:	روایت ساده
زبان:	روزمره

فعال می‌کند، اما در هر قسمت با آوردن عباراتی که این کلمات در ساختار آنها معانی دیگری دارند، فضای ذهنی مخاطب را به معنای دوم آنها سوق می‌دهد که تولید آرایه ایهام تبادر کرده است. بدین ترتیب، انگاره‌هایی متفاوت با قبل را ایجاد کرده که خنده‌ای از سر درد بر گوشه لبان مخاطب خود می‌نشانند.

شاعر در ابتدا با آوردن عبارت‌های «مادر عاشق طلا بود/ جشن تولد دستبند خواست» انگاره زنی را که خواهان زیورآلات است در ذهن‌ها می‌آفریند، اما با آوردن عبارت «پدر به زندان رفت» انگاره‌ای دیگر را در ذهن‌ها تداعی می‌کند؛ زیرا دستبند - که از زیورآلات زنانه است - با توجه به لفظ زندان، دستبند مجرمان را به ذهن متبادر می‌کند. زنجیر از دیگر زیورآلات است که در عبارت «روز مادر زنجیر خواست» به کار رفته است، اما مجاورت این واژه با تیمارستان در عبارت «پدر به تیمارستان رفت»، به زنجیر کشیدن مجانین را در ذهن ترسیم می‌کند. همچنین واژه «سرویس» در عبارت «سالگرد ازدواج سرویس خواست» انگاره سرویس طلا و جواهر را در مخیله مخاطب شکل می‌دهد، اما با آوردن عبارت «پدر سوار شد و رفت» این انگاره به شکلی طنزآلود برهم می‌ریزد و مفهوم سرویس آمدوشد برای خواننده تداعی می‌شود.

هدف اکسیر در تقابل هم قرار دادن این

اکسیر در این شعر با آوردن عبارات «مادر

عاشق طلا بود» و «دستبند»، «زنجیر» و «سرویس»

انگاره طلا و جواهرآلات را در فضای ذهنی مخاطب

جدول ۲. تحلیل GTVH شعر «سبیل و فلسفه»

تقابل انگاره:	فلسفه آری / فلسفه نه
مکانیسم منطقی:	اغراق در توصیف سبیل
هدف:	فیلسوف‌نمایانی همچون هیتلر و استالین
موقعیت:	اجتماع
شیوه‌روایت:	روایت ساده
زبان:	روزمره و عامیانه

اکسیر در این شعر با استفاده از شگرد توصیف و تصویرسازی خنده‌دار، فضایی طنزآلود را به نمایش گذاشته است. در عبارت «نیچه با آن آبرسبیل مرتب پرپشت / پوتین فلسفه را برق انداخت»، با استفاده از مکانیسم منطقی اغراق در اندازه سبیل و بهره‌برداری از تصویر طنزآمیز و خیال‌انگیز فرچه‌ای که برای برق انداختن پوتین از سبیل ساخته شده، بر جنبه طنزگونگی شعر خود افزوده است.

در عبارت «هیتلر با آن سبیل کوچک استامپی پوتین‌ها را به روسیه صادر کرد»، نیز تصویرسازی با سبیل انجام شده است؛ چراکه از دیدگاه شاعر هیتلر با سبیل‌های استامپ‌مانند خود جواز صدور پوتین‌ها به روسیه و در واقع جنگ جهانی دوم را مهر کرد. از سوی دیگر، پوتین در معنای رئیس‌جمهوری روسیه با روسیه ایهام تبادر ایجاد کرده که موجب قدرت بیشتر طنز در این شعر شده است. در عبارت بعدی هم از هم‌پیمان هیتلر، یعنی استالین در حمله به روسیه نام برده شده است که گویی با سبیل‌های مکانیکی خود و سربازان و سلاح‌های جنگی، سیبری را - که مجاز از شوروی است - شخم زده است. از

انگاره‌ها نیست. در حقیقت او شرح حال زنان پرتوقع و تجمل‌گرایی را روایت می‌کند که همسر و خانواده خود را فدای زیاده‌خواهی و چشم و هم‌چشمی‌های خود می‌کنند تا جایی که مرد خانه برای برآوردن خواسته‌های نابه‌جای آنان یا دست به بزه می‌زند و سر از زندان درمی‌آورد، یا دچار بیماری‌های روانی شده، راهی تیمارستان می‌شود. با آوردن عبارت «پدر سوار شد و رفت» گویا شاعر اسف‌بارترین سرنوشت چنین مردانی را - که همانا ترک خانواده باشد - به تصویر کشیده و چنین مادرنمایی را از لبه تند شمشیر انتقاد خود گذرانده است.

۲. شعر «سبیل و فلسفه» از مجموعه *بفرمایید بنشینید*

صندلی عزیز

آدم‌های بزرگ با سبیل و فلسفه

چه کارهایی که نکرده‌اند

نیچه با آن آبرسبیل مرتب پرپشت

پوتین فلسفه را برق انداخت.

هیتلر با آن سبیل کوچک استامپی

پوتین‌ها را به روسیه صادر کرد.

استالین با آن سبیل مکانیکی

سیبری را بیل زد

و برای فلسفه ویلا ساخت!

من مانده‌ام با این سبیل بدقواره سیخ‌سیخ

و کارنامه‌ی ثلث سوم که نمره فلسفه‌اش صفر است

شما بگویند: با این سبیل و با این صفر

من چه کاره خواهم شد؟!

(اکسیر، ۱۳۸۷ الف: ۶۵)

نظر شاعر این دیکتاتورها بدین‌گونه ویلایی نو برای فلسفه جهان بنا نهادند. جنگ‌افروزی‌های این دیکتاتورها و ویرانگری‌های آنان و ساختن ویلا از تقابل‌های شعر است.

شاعر در پایان شعر با مسخره کردن سبیل خود و بیان ضعف نمره فلسفه‌اش، در چگونگی سرنوشت خود اظهار تردید می‌کند. در واقع، در سراسر شعر در ظاهر این انگاره وجود دارد که افرادی مانند نیچه و هیتلر با نظریه‌های خود در تاریخ بشر مؤثرند، اما در لایه‌ای دیگر - که همان لایه طنز شعر است - این انگاره درهم می‌ریزد و انگاره‌ای جدید در ذهن مخاطب شکل می‌گیرد و آن این است که این افراد با نظریات خود دردهای بشری را دوچندان کرده‌اند، مانند هیتلر که با دیدگاه نازیستی و نژادپرستانه خود جهان را برآشفست و آتش جنگ جهانی دوم را روشن کرد.

استفاده از زبان محاوره‌ای و کوچه‌وبازاری و به‌کارگیری الفاظی مانند استامپ، سبیل، بیل زدن و ... همچنین استفاده نامتعارف از علامت تعجب در عبارت «و برای فلسفه ویلا ساخت!» از نکات قابل توجه در این شعر است.

۳. شعر «تذکره‌الاولیا» از مجموعه پسته لال سکوت دندان‌شکن است

حلّاج توبه‌نامه نوشت

دار فانی را وداع گفت

او حالا در بغداد

داربست فلزی کرایه می‌دهد.

عطار در نبش بازار نیشابور

داروی گیاهی تقویت جنسی می‌فروشد.

شبلی هم به دُبی رفته است

و از شبکه مشاورین املاک جنید

۲۴ ساعته اناالحق می‌زند.

بایزید همچنان با یزید است

شب بخیر!

(اکسیر، ۱۳۸۷ ب: ۵۲)

جدول ۳. تحلیل GTVH شعر «تذکره‌الاولیا»

حلّاج / حلّاج نه، عطار / عطار نه، شبلی / شبلی نه، بایزید / بایزید نه، جنید / جنید نه	تقابل انگاره:
ناهمخوانی (جابه‌جایی) زمانی و تاریخی	مکانیسم منطقی:
انسان‌هایی که فقط فکر زندگی و روزمرگی‌اند.	هدف:
بغداد، نیشابور، دُبی	موقعیت:
خبری	شیوه‌روایت:
عامیانه و روزمره	زبان:

در این شعر، اکسیر انگاره‌های حلّاج، عطار، شبلی و بایزید را - که در ذهن مخاطب او عارفانی بزرگ هستند - از زمان خودشان کنده و با نسبت دادن مسائل امروزی به آنها، آنان را وارد دنیای کنونی کرده است. به نظر سلیمانی اگر شخصیتی تاریخی و مشهور را از زمان خود بکنیم و وارد زمان کنونی و روابط و مسائل دیگری کنیم، یا اگر وسایل، اشیا، آدم‌ها و حتی زبان زمانی را به زمان دیگری منتقل کنیم، طنز ایجاد می‌شود (۱۳۹۱: ۲۹۳).

هدف:	انسان‌های ریاکار و آب‌زیر‌کاه
موقعیت:	نقشه جغرافیایی و جامعه
شیوه روایت:	روایت ساده
زبان:	عامیانه و روزمره

عبارت آغازین این شعر یعنی «می‌خواستم از کاه کوه بسازم» انگاره ضرب‌المثل معروف «از کاه کوه ساختن» را در ذهن خواننده فعال می‌کند، اما عبارت بعد «دیدم نقشه جغرافیایی جایی برای دره ندارد»، انگاره قبلی را نقض می‌کند و خواننده درمی‌یابد که با متنی غیرمنتظره روبه‌روست.

شاعر در عبارت بعد با استفاده از شگرد قلب مطلب ضرب‌المثل «از کاه کوه ساختن» را به صورت «از کوه کاه ساختم» در شعر گنجانده و این‌گونه مفهوم و مضمونی نو و هنری ایجاد کرده است.

همچنین شاعر با تکرار واژه‌های «کاه» و «کوه» و مراعات‌النظیر در واژه‌های «نقشه»، «جغرافی»، «دره»، «کوه»، «رود» و «آب» توجه مخاطب را به مضمون مورد نظر خود جلب می‌کند. عبارت ابهام‌انگیز «آب زیر کاه» را نیز می‌توان هم به صورت آب زیر کاه با توجه به ادامه مطالب قبل خواند و هم «آب زیر کاه» که یک عبارت کنایی به مفهوم آدم دورو و ریاکار است.

اکسیر با این شگردهای ایجاد طنز به فضای طنزآلود شعر خود استحکام بیشتری بخشیده است. او در این شعر انسان‌هایی را که از یک مسئله کوچک کوهی می‌سازند و دورو و ریاکارند، آماج تیرهای انتقاد خود قرار داده است.

انگاره حلاج - که داربست فلزی کرایه می‌دهد- به شکل هوشمندانه و طنزآمیزی با بالای دار رفتن حلاج سنخیت دارد. انگاره عطار - که در نبش بازار نیشابور داروی گیاهی تقویت جنسی می‌فروشد- با آنچه در ذهن مخاطب از عطاری و داروفروشی وجود دارد، تناسب پیدا می‌کند. شبلی و جنید - که وارد بازار املاک شده‌اند- بازی زبانی «بایزید» و «با» «بایزید»، در مجموع تصورات و انگاره‌های قبلی را - که از این عارفان در ذهن مخاطب بوده- برهم می‌زند و باعث خنده او می‌شود؛ خنده‌ای از سر درد که این واقعیت را بیان می‌کند که انسان‌های امروزی دو دستی به دنیا چسبیده‌اند و دوروزه عمر گرانها را در این صرف می‌کنند «تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا» و به عرفان و سلوک الی‌الله بسیار کم‌توجه شده‌اند.

۴. شعر «کاریز» از مجموعه ملخ‌های حاصلخیز

می‌خواستم از کاه کوه بسازم

دیدم نقشه جغرافیایی جایی برای دره ندارد

از کوه کاه ساختم.

باد کاه را برد

تمام دره‌ها و رودها پر شد

حالا مانده‌ام

با این همه آب زیر کاه چکار کنم؟

(اکسیر، ۱۳۸۹: ۷۵)

جدول ۴. تحلیل GTVH شعر «کاریز»

ضرب‌المثل از کاه کوه	تقابل انگاره:
ساختن/ضرب‌المثل از کاه کوه ساختن نه	
قلب و تحریف یک ضرب‌المثل	مکانیسم منطقی:

۵. شعر «انگشت‌ها» از مجموعه *مالاریا*

بسته نمی‌شوند

می‌کاوند می‌یابند می‌گیرند می‌برند می‌زنند

می‌اندازند می‌خراشند می‌کارند می‌خارند

می‌شمارند می‌نویسند...

خسته که شدند می‌روند بیمارستان

و درست جلوی بینی خانم پرستار

می‌ایستند و خیلی مؤدب می‌گویند:

هیس!!!

(اکسیر، ۱۳۹۰: ۵۱)

جدول ۵. تحلیل GTVH شعر «انگشت‌ها»

تقابل انگاره:	چیستان انگشت / انگشت
مکانیسم منطقی:	توصیف چیزی به صورت چیستان
هدف:	تهی (فرد خاصی نیست)
موقعیت:	بیمارستان
شیوه‌روایت:	چیستان
زبان:	روزمره و عامیانه

شاعر ابتدا انگاره‌ای را به صورت مبهم و معماگونه در ذهن مخاطب شکل می‌دهد و به تدریج با توصیف این انگاره، چیستی آن را برای مخاطب به شکلی طنزآلود روشن می‌کند. در پایان شعر با مجسم کردن تصویر آشنای خانم پرستاری در بیمارستان - که انگشت خود را برای دعوت مراجعان به سکوت، روی بینی گرفته - انگاره انگشت را در ذهن خواننده جانشین انگاره مجهول قبلی می‌کند و بدین ترتیب، خواننده به جواب چیستان می‌رسد.

از ویژگی‌های بارز این شعر طنز، بسامد بالای فعل‌ها در آن است. به گونه‌ای که در ابتدای آن دوازده فعل بدون آوردن نهاد به صورت متوالی تکرار شده که به شدت باعث ایجاز در شعر شده است. همچنین، کاربرد نامتعارف سه علامت تعجب در پایان، از شاخصه‌های این شعر است.

۶. شعر «شانس» از مجموعه *ما کوتا اونا شیم؟*

سازها هم مثل آدم‌ها

خوشبخت و بدبخت دارند.

نی سوراخ سوراخ می‌شود

تنبک مدام توسری می‌خورد

کمانچه را سروته می‌کنند

تیغه بر گلویش می‌کشند

تار را اما در آغوش می‌گیرند

و می‌نوازند!

(اکسیر، ۱۳۹۳: ۳۸)

جدول ۶. تحلیل GTVH شعر «شانس»

تقابل انگاره:	ساز خوشبخت / ساز بدبخت، آدم خوشبخت / آدم بدبخت، ساز / ساز نه
مکانیسم منطقی:	دلیل عکس
هدف:	تهی (فرد خاصی نیست)
موقعیت:	بافت شعر
شیوه‌روایت:	روایت ساده
زبان:	روزمره و عامیانه

شاعر طنزپرداز با استفاده از مکانیسم منطقی دلیل عکس انگاره سازهای خوشبخت و بدبخت را

۶. مراعات نظیر در کلمات ساز، نی، تنبک، کمانچه، تار، در آغوش گرفتن و می‌نوازند؛
۷. ایهام در واژه «می‌نوازند» که در رابطه با تار به معنای نواختن و به صدا درآوردن است و در رابطه با انسان به معنی مورد لطف و نوازش قرار دادن.

بحث و نتیجه‌گیری

اکبر اکسیر، شاعر طنزپرداز و منتقد آستارایی، در دهه ۸۰ شعر فرانو را مطرح کرد. شعری که رها از قید وزن و قافیه است و ایجاز، پرهیز از مدیحه‌سرایی، دوری از ستایش معشوق مجازی، غیرمترقبه بودن، سوژه‌مداری و ملموس بودن از شاخصه‌های بارز آن است. از آنجا که هدف این نوع شعر ابراز دردها و بیان معضلات اجتماع است، طنزی تلخ و نیش‌دار را با خود به همراه دارد.

در این پژوهش به بررسی آثار طنز اکبر اکسیر براساس «نظریه عمومی طنز کلامی» پرداخته شد. هدف از این تحقیق، بررسی ویژگی‌های آثار طنز اکبر اکسیر در چارچوب نظریه مذکور بر مبنای شش متغیر پایه بود که به نام منابع دانش معرفی شده‌اند و عبارت‌اند از: تقابل انگاره، مکانیسم منطقی، هدف، موقعیت، شیوه روایت و زبان. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این نظریه برای تبیین و شرح شعر طنز فرانو از قابلیت‌های خوبی برخوردار است.

یافته‌های تحقیق در شصت شعر فرانوی اکسیر به تفکیک متغیرهای شش‌گانه نشان می‌دهد که: الف) تقابل انگاره در همه شعرهای اکسیر به نحوی

در مقابل هم قرار داده است. او شکل ظاهری آلات موسیقی را دست‌مایه طنز خود کرده است. سوراخ‌های موجود در «نی» را -که برای به صدا درآمدن و تغییر لحن آن تعبیه شده- دلیل بدبختی آن دانسته که دلیلی غیرمنطقی و خنده‌آور است. تنبک را -که برای به صدا درآمدن آن باید بر سرش بکوبند- توسری خور دانسته که باز دلیلی ادعایی و طنزآمیز برای بدبختی آن است. همین‌طور کمانچه را -که با استفاده از کشیده شدن تیغه بر زه آن تولید صدا می‌کند- به انسانی تشبیه کرده که برای شکنجه کردن، آن را سروته می‌کنند و تیغ بر گلویش می‌کشند. اما تار را چون نوازندگان برای نواختن آن، در آغوش خود می‌گیرند، خوشبخت می‌داند؛ زیرا مورد لطف و نوازش قرار می‌گیرد. در همه این موارد، منطقی مطرح شده یک «منطق موضعی» و محدود است؛ چراکه نمی‌تواند به بیرون از متن طنز و یا جهان خارج راه یابد و با منطق معمول و واقعیت مطابقت ندارد.

از شگردهای طنزآفرین در این شعر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تشبیه در مصرع «سازها هم مثل آدم‌ها خوشبخت و بدبخت دارند»؛
۲. تشخیص در کلمات نی، تنبک، کمانچه و تار؛
۳. تضاد در کلمات خوشبخت و بدبخت؛
۴. ترکیبات محاوره‌ای «توسری می‌خورد» و «سروته می‌کنند»؛
۵. کنایه در عبارت «توسری می‌خورد» که کنایه از انسان ترسو و منفعل است؛

وجود دارد و بعضی از اشعار او، دارای چندین تقابل انگاره‌اند. بنابراین، وجود تقابل انگاره یکی از خصیصه‌های اشعار فرانو محسوب می‌شود.

ب) مکانیسم منطقی در همه شعرهای طنز بررسی شده وجود دارد و در برخی از شعرهای فرانو، چندین سازوکار منطقی سبب طنز شده است. این ویژگی از مهم‌ترین عوامل به‌وجود آورنده طنز در این سبک شعر است. آتاردو تعداد این سازوکارها را ۲۷ مورد شمرده است که از میان آنها تعداد معدودی در آثار طنز اکسیر به‌کار رفته مثل قیاس، قیاس کاذب، ابهام ارجاعی، استدلال از مقدمات اشتباه و ... البته عدم کاربرد همه سازوکارها و به‌کارگیری مکانیسم‌های جدید شاید تا حدی مربوط به زیرساخت‌های زبان فارسی، دنیای ذهنی و فکری هر طنزپرداز و فرهنگ نهادینه‌شده در او باشد، اما اینکه آیا کاربرد این سازوکارها اساساً در طنز فارسی غیرممکن است، نیازمند تحقیقات گسترده‌تری است. برخی از پرکاربردترین سازوکارهای منطقی اشعار بررسی شده عبارت‌اند از: تغییر فضای ذهنی مخاطب با استفاده از مؤلفه‌های دومعنایی، اغراق، ابهام ارجاعی از نوع کژتابی معنایی، تکنیک ضدّ اوج، تضاد بین شعار و واقعیت، تغییر و تحریف یک ضرب‌المثل، استدلال یا نتیجه‌گیری بی‌ربط، برعکس‌گویی، قلب مطلب، ایجاد فضای انسان‌مدارانه در ذهن مخاطب و استفاده از شعار یک سازمان در گفتمانی دیگر.

ج) هدف - که یکی از متغیرهای اختیاری پایه در نظریه عمومی طنز کلامی است - تقریباً در بیشتر اشعار فرانوی مورد بررسی، یک شخص نیست و یک صنف، گروه و گاه همه انسان‌ها مورد انتقاد

شاعر هستند. این متغیر در بعضی از اشعار او دارای ارزش «تهی» است، یعنی این شعرها کسی یا کسانی را به‌طور مشخص مورد حمله قرار نداده‌اند. در برخی شعرها نیز امری آزاردهنده مثل معضل فقر، خودکشی و مشکل دفع نامناسب زباله مورد انتقاد قرار گرفته است و چون اکسیر اساساً شاعر کلی‌گویی نیست و «رُک‌گویی» و انتقادهای تند و نمایاندن دردها و معضلات جامعه از ویژگی‌های شعری اوست، شعرهایی که در آن متغیر هدف تهی باشد، بسیار اندک است.

د) موقعیت در شعرهای مورد تحلیل بیشتر شامل موقعیت‌های اجتماعی و خانوادگی است و در تعداد کمی از آنها به مکان یا شرایط خاصی اشاره نشده که در این اشعار موقعیت، همان «بافت» شعر است. برخی از این موقعیت‌ها در اشعار بررسی شده عبارت‌اند از: محیط خانواده، اداره، مدرسه، محیط اطراف، بیمارستان، شهرها، دریا و رستوران.

ه) شیوه روایت: شکل روایت ۵۵ مورد از شعرهای بررسی شده «روایت ساده»، دو مورد «مکالمه»، دو مورد «خبری» و یک مورد «چیستان» است.

و) زبان در شعرهای تحلیل‌شده در این پژوهش بیشتر شامل زبان ساده روزمره، استفاده از اصطلاحات عامیانه و زبان مردم کوچه و بازار است.

منابع

اخوت، احمد (۱۳۷۱). *نشانه‌شناسی مطایبه*. اصفهان: نشر فردا.
اصلائی، محمدرضا (۱۳۸۷). *فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز*. تهران: انتشارات کاروان.

- اکسیر، اکبر (۱۳۸۴). *زنبورهای عسل دیابت گرفته‌اند*. تهران: ابتکار نو.
- _____ (۱۳۸۵). «فرانو: رود وحشی شعر امروز». *فصلنامه اشراق*، شماره ۳.
- _____ (۱۳۸۷الف). *بفرمایید بنشینید صندلی عزیز*. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۸۷ب). *پسته لال سکوت دندان شکن است*. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۸۹). *ملخ‌های حاصلخیز*. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۹۰). *مالاریا*. تهران: مروارید.
- _____ (۱۳۹۳). *ما کو تا اونا شیم؟*. تهران: مروارید.
- انوشه، حسن (۱۳۸۱). *دانشنامه ادب فارسی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایزدپناه، محمدعلی و رخشنده‌رو، فاطمه (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان طنز پارسی براساس کاربرد نظریه عمومی طنز کلامی در سریال قهوه تلخ». *مجموعه مقالات همایش ملی ادبیات دانشگاه شیراز*.
- پاسخی، باهره (۱۳۹۰). *بررسی توصیفی- تطبیقی درونمایه‌های طنز در اشعار اکبر اکسیر و عمران صلاحی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور رشت.
- تجبر، نیما (۱۳۹۰). *نظریه‌های طنز بر بنیاد متون برجسته طنز فارسی*. تهران: مهر ویستا.
- خشوعی، مهدیه‌السادات (۱۳۸۶). *روان‌شناسی شوخی*. اصفهان: کنکاش.
- سلیمانی، محسن (۱۳۹۱). *اسرار و ابزار طنزنویسی*. تهران: سوره مهر.
- سعیدی، مهدی (۱۳۸۱). *تحلیل ساختاری و مضمونی کتاب‌های کیومرث صابری فومنی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- شریفی، شهلا و سریرا کرامتی یزدی (۱۳۸۸). «بررسی طنز منثور در برخی از مطبوعات رسمی طنز کشور براساس نظریه عمومی طنز کلامی». *فصلنامه زبان و ادب فارسی*، شماره ۴۲، صص ۱۳۱-۱۰۹.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات نگاه.
- صدر، رؤیا (۱۳۸۱). *بیست سال با طنز*. تهران: انتشارات هرمس.
- صلاحی، عمران (۱۳۶۷). «خنده و مشتقات آن». *مجله دنیای سخن*، شماره ۱۹، صص ۶۲-۶۳.
- کاسب، عزیزالله (۱۳۶۶). *چشم‌انداز تاریخی هجو*. تهران: مؤلف.
- کریچلی، سیمون (۱۳۸۴). *در باب طنز*. ترجمه سهیل سمی. تهران: انتشارات ققنوس.
- یوسفی، کلثوم (۱۳۸۵). *بررسی طنز در آثار دهخدا*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه پیام‌نور واحد ساری.